

مبانی و گونه‌های تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان

سید رضا هاشمی شاه‌قبادی^۱

چکیده

تبیین و شناخت صحیح از شیوه تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان، پیش‌درآمد طرح‌ریزی سبک زندگی اسلامی در تعامل با جریان‌های دینی-انسانی امروزی است. این شناخت، پاسخ‌گوی چرایی انتخاب گونه‌های متعدد و گاه متفاوت تعامل اهل بیت علیهم‌السلام در مقابل دیگر جریان‌هاست. این مهم با مطالعه منابع تاریخی به روش توصیفی-تحلیلی و استخراج مبانی تعامل اهل بیت علیهم‌السلام قابل پی‌جویی است. حفظ کرامت انسانی، حفظ منافع مشترک، حفظ و حراست از دین و وحدت جامعه، اصول و مبانی اهل بیت علیهم‌السلام در تعامل با پیروان دیگر ادیان است. رویکرد تعاملی ایشان رویکردی همراه با مدارا بوده است و این رویکرد در گونه‌های مختلف تعامل همچون گفت‌وگو، پیمان و همزیستی مسالمت‌آمیز نمایان است. برای رسیدن به هدف پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: تعامل؛ اهل بیت علیهم‌السلام؛ ادیان؛ مسیحیت؛ یهود؛ زرتشت.

مقدمه

از هنگام ظهور اسلام در شبه‌جزیره عربستان عده‌ای از پیروان دیگر ادیان مانند یهود،

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه.

مسیحیت، صابئین و مجوس زندگی می کردند که ناگزیر از تعامل با مسلمانان بودند. مقاله حاضر با رویکردی تاریخی این تعامل را بررسی کرده و درصدد معرفی مبانی و گونه های این تعامل در اندیشه اهل بیت (علیهم السلام) است.

شیعیان نقش های بسیار مهم و تأثیرگذاری در تاریخ اسلام و تاریخ تمدن بشری داشته و دارند و در هر بخش از فرهنگ و تمدن اسلامی، نشانی از حضور پررنگ آنان وجود دارد. تبیین این نقش در تاریخ، فرهنگ، تمدن و تفکر اسلامی نیازمند شناخت اصول و مبانی رفتاری اهل بیت (علیهم السلام)، به عنوان رهبران فکری و رفتاری شیعیان است. این اصول که حاکم بر تمام گفتار، رفتار و تعاملات شیعیان و به ویژه اهل بیت (علیهم السلام) است، تبیین کننده راه و روش اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ گوی چرایی این حضور با وجود همه نامهربانی هاست.

اهل بیت (علیهم السلام) با آن که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جز دوران کوتاهی همواره تحت ظلم و ستم حاکمان می زیستند و اکثریت جامعه، مخالف فکری آن ها بودند و از حاکمیت سیاسی نیز دور بودند و با آن که نظام سیاسی موجود را قبول نداشتند، نه تنها راه جدایی و ستیز با جامعه را در پیش نگرفتند، بلکه تعامل سازنده و تأثیرگذاری با هم کیشان و غیرهم کیشان خود داشتند و نقش بی بدیلی در تحولات اجتماعی و فرهنگی و علمی ایفا کردند.

اهل بیت (علیهم السلام) با وجود محرومیت های سیاسی و اجتماعی، از مشارکت در امور فرهنگی غافل نبودند و حضور فعالی در تعامل با دیگر اقشار دینی و فرهنگی جامعه داشتند. در اندیشه اهل بیت (علیهم السلام)، مکاتب الهی به ویژه مکتب مقدس اسلام، حرکت تکاملی جامعه را بر مبنای اعتقاد و فرهنگ بر شمرده است. بر این اساس، اسلام از روز تولد با اولویت دادن به شکل تعامل اعتقادی و فرهنگی، اشکال دیگر تعامل از قبیل مبارزه سیاسی و نظامی را در خدمت گسترش عقاید و فرهنگ اسلامی به کار گرفته است.

تعامل و همگرایی شیعیان با فرقه‌ها و گرایش‌های مختلف همواره مورد نظر اهل بیت علیهم‌السلام بوده و شیعیان نیز با پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام و با به‌کارگیری اصل تعامل سازنده، سعی در تقویت جایگاه عقلانیت در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و علمی داشته‌اند و مناسبات آن‌ها با دیگر جریان‌ها بر این اساس موفقیت‌آمیز بوده است. بدیهی است که کج‌فهمی و تخطی برخی از این اصل بی‌مانند، گاهی در مسیر تکامل جامعه انسانی موجب صدمات و مشکلاتی شده، که تاکنون نیز آثار آن باقی است.

پرسش اصلی این است که اهل بیت علیهم‌السلام، به‌عنوان پیشوایان و رهبران جریان بزرگ تشیع، در روابط با جریان‌های دینی و پیروان دیگر ادیان، نحوه‌ای از تعامل را برگزیده‌اند که جریان تشیع را جریانی تأثیرگذار در جامعه دینی قرار داده و این تأثیرگذاری بر مبنای اصولی رفتاری است؛ این اصول یا اصل رفتاری چیست؟

فرضیه آن است که در سیره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، اصول و مبانی ویژه‌ای حاکم است. این اصول و مبانی معیار سنجش تمام رفتارها، گفتارها و سیاست‌های اهل بیت علیهم‌السلام در مواضع مختلف است. یکی از این اصول، اصل تعامل است. اصل تعامل برگرفته از مفهومی خاص از تعامل است که در زوایای زندگی و اهداف الهی و انسانی زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام معنا پیدا کرده و راه‌گشای بسیاری از تحلیل‌ها و حل برخی تناقضات اولیه و ظاهری مواضع متفاوت اهل بیت علیهم‌السلام است.

ضرورت بررسی و استخراج این اصول به پژوهشگران سیره اهل بیت علیهم‌السلام کمک می‌کند تا به شناخت صحیح و جامعی از اندیشه و سیره اهل بیت علیهم‌السلام رسیده و به تحلیلی بهتر و صحیح از زندگانی این بزرگان برسند. این اصول در جهت‌گیری و تعامل جریان‌های فرهنگی و دینی امروزی مسلمانان نیز حائز اهمیت است. شناخت هندسه فکری ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و تحلیل و تفسیر صحیح جهت‌گیری‌های ایشان، در گرو شناخت این اصول و نقش اینان در تحولات جامعه، راه‌گشای رهیافت بسیاری از مسائل امروزی است.

وضعیت دشوار امت اسلامی در عصر حاضر علل و عوامل متعددی دارد؛ اما بی‌گمان مهم‌ترین زمینه این ناگواری‌ها، عدم تعامل منطقی افراد جامعه با یکدیگر است. امروز دو گرایش عمده در بین متدینان به ادیان مختلف وجود دارد: ۱. گرایشی تقریبی که همه ادیان را به وحدت و توجه به مشترکات و برجسته نکردن اختلافات دعوت می‌کند؛ ۲. گرایش به ستیز تمدن‌ها و ادیان، با تأکید بر فرقه‌گرایی که ضدتقریبی است و بر برجسته کردن نقاط مورد اختلاف و کوبیدن بر طبل منازعات تأکید می‌ورزد. هر دو گرایش برای توجیه اندیشه و عمل خود به موضع‌گیری‌ها، رخدادها و جهت‌گیری‌های بزرگان و اندیشمندان ادیان خویش استناد می‌کنند؛ زیرا جهت‌گیری‌ها و رخدادهای ایشان آن قدر متنوع و گاه متضاد است که برای هر دو نگرش دستاویزی پیدا می‌شود.

ناگفته پیداست که جهت‌گیری تقریبی ادیان کم‌هزینه‌تر و سودمندتر برای جامعه بشری است. شیعیان به عنوان جریانی تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف تمدنی بر این باورند که ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر دیدگاه تقریبی و گفتمانی تأکید داشته و دین را ابزاری برای ارتقای کُمّی و کیفی زندگی بشر در جهت رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی می‌دانسته‌اند. لذا در منطق اهل بیت (علیهم السلام) تأکید بر هدایت بدون ستیز و اجبار است. گفتار، رفتار و مواضع ائمه (علیهم السلام) در نزد شیعیان، حجت شرعی شمرده می‌شود؛ از این رو بررسی و تحلیل تعامل ایشان با دیگر پیروان ادیان می‌تواند معیار و سنجه مواجهه با این مسئله در نزد ایشان باشد. با تأکید بر عقلانیت و احترام متقابل می‌توان به الگوی صحیح در این مسیر دست یافت.

اهمیت موضوع

اصل تعامل از نظر رفتاری در سیره ائمه (علیهم السلام) جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا ایشان الگوهای ابدی زندگی و سبک زندگی شیعیانند. تأکیدات اهل بیت (علیهم السلام) به الگو کردن این اصل و اصرار و فرمان به شیعه برای فهم و به‌کارگیری آن، بر اهمیت این اصل رفتاری افزوده

است. این موضوع با طرح تئوری حکومت اسلامی و دیگر مباحث نوین کلامی، از جهت بررسی مبانی نظری و کاربردی، مورد توجه اندیشمندان نیز قرار گرفته است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، استخراج و شناخت اصول رفتاری و تبیین چیستی و مبانی چگونگی تعامل ائمه اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان پیشوایان و رهبران و عالمان بی‌خطای دین با دیگران است. شناخت این اصول به خواننده این توانایی را می‌دهد تا با استفاده از این اصول به شناخت، تحلیل و سنجش گزارش‌های تاریخی بپردازد. این اصول با مبانی عقلی قابل تقویت است و حاکم بر گزاره‌های تاریخی است.

پیشینه و منابع

درباره تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان، پژوهش توصیفی یا تحلیلی منسجم و مهمی انجام نشده است. دست‌کم با بررسی منابع مرجع و کتاب‌شناسی، تحقیق و کتابی که به طور مستقیم به موضوع تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان پرداخته و به ارائه الگوی ایشان در قالبی منسجم و علمی بینجامد، به دست نیامد.

پژوهش‌هایی درباره روابط ائمه علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان دیده شده، مانند/ارتباط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مسیحیان، تعامل یا تقابل نوشته محمدحسین طاهری، رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با پیروان دیگر ادیان نوشته مصطفی صادقی، امام رضا علیه‌السلام و الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب، مسئله پلورالیسم دینی «هنجاری» در فرهنگ رضوی، نوشته مهدی گنجور و محمد بیدهندی.

این دسته پژوهش‌ها در موضوعات خاص و در واقع بخشی از موضوع تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان را نشان می‌دهد و به یک سیره جامع و کامل دست نیافته است.

مفهوم‌شناسی تعامل

واژه «تعامل» از ریشه عمل است. اصل معنای این واژه، عمل یا رفتار است؛ ولی چون شکل و صیغه این واژه بر وزن «تفاعل» است، عمل و رفتار متقابل را می‌رساند. در کتب لغت تعامل به معنای معامله و دادوستد مردم با یکدیگر به کار رفته است^۱ که یک رفتار دوسویه است. بدین جهت، تعامل، امری طرفینی است و بایستی بین دو طرف انجام گیرد. واژه تعامل، امروزه بیشتر در ارتباطات سیاسی، علمی، فرهنگی و اخلاقی به کار می‌رود. نکته‌ای که مناسب است در تعامل مطرح شود، این است که جایگاه تعامل بین دو طرف است که با یکدیگر در یک امر، اشتراک و در امر دیگری اختلاف داشته باشند و اگر هیچ نکته مشترکی نداشته باشند، تعامل در آنجا معنایی ندارد. به طور کلی تعامل را می‌توان در مورد انسان‌ها مطرح نمود. نکته مشترک بین تمام انسان‌ها، انسانیت و همزیستی و در بین ادیان الهی، اشتراک در اصول و پایه‌های دین است. بین پیروان ادیان نیز امور اشتراکی و اختلافی وجود دارد که با تعامل و گفت‌وگوی شایسته و مناسب، می‌توان در جهت ارتقای فرهنگ، دین و مذهب کمک گرفت.

در کاربردهای سیاسی و اجتماعی امروزی، تعامل به معنای روابط سازنده متقابل است؛ بنابراین مقصود از «تعامل» در این نوشته، چگونگی رفتار و روابط سازنده متقابل بین اهل بیت (علیهم السلام) و افراد و گروه‌های جامعه است. در مقابل تعامل می‌توان دو حالت «تنازع» و «بی‌اعتنایی» را فرض کرد. در حالت تنازع و منازعه، دو طرف در تقابل و ستیز قرار دارند که به صورت منازعات سیاسی و مذهبی خود را نشان می‌دهد. حالت «بی‌اعتنایی» قطع ارتباط و نبود هرگونه احساس همدلی و همکاری با وجود دوری از

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۳۶؛ محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۲، ص ۵۰؛

ابوهلال عسکری، الفروق الغویه، ص ۴۸۵؛ فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۱۵۳.

ستیزه‌جویی است. تعامل با «همزیستی مسالمت‌آمیز» نیز این تفاوت را دارد که همزیستی مسالمت‌آمیز بدون تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هم می‌تواند روی دهد، اما تعامل در خود، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را به عنوان مهم‌ترین شاخصه به همراه دارد. تعامل با جریان «وحدت» نیز تفاوت ماهوی دارد. وحدت تأکید و اصرار بر مشترکات و غفلت و نادیده‌گیری موارد اختلافی است، اما تعامل جامع‌تر و وسیع‌تر است. حتی برخی از دیدگاه‌های تعاملی در مراحل ابتدایی و اولیه می‌تواند تضاد و تزاخم با وحدت داشته باشد.

تعامل قلمروی گسترده‌ای دارد و تمام محدوده نیازهای فکری، فرهنگی، سیاسی، دینی و مذهبی را فرا می‌گیرد. تعامل از نظر مفهومی به دو صورت دوستانه و خصمانه اطلاق می‌گردد. تعامل گاهی بر اساس زور، تهدید، تطمیع، قتل و کشتار واقع می‌شود و گاه بر اساس منطق، استدلال، دوستی، همکاری و عدالت است. در این نوشتار در مقام ثبوت از هر دو نوع در تبیین مفاهیم، بحث شده است؛ اما هدف، اثبات تعامل مثبت به صورت یک ارزش و کمال در جامعه است.

انسان در هر دو نظام و دیدگاه مادی یا معنوی، به دنبال بهره‌برداری بیشتر و کم‌هزینه‌تر از منابع محدود دنیا است. تعامل بهترین بستر برای این هدف است. حتی ابرقدرت‌ها و استعمارگران به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ نرم بسیار مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر و باتداوم‌تر از جنگ سخت است و جنگ نرم در بستر تعامل قابل پی‌گیری و انجام است.

ضرورت و لزوم ارتباط در جامعه انسانی، ویژگی زندگی انسانی است. ارتباط باید بر طبق قاعده و قانونی باشد که بهترین بستر را برای رشد و تعالی بشر در تمام زوایای انسانی از روحی و جسمی فراهم سازد. همان‌طور که از مفهوم تعامل فهمیده می‌شود، تعامل به هرگونه ارتباط سازنده و مؤثر که در راستای دستیابی آسان‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر در جهت هدفی روشن و از پیش تعیین شده باشد، اطلاق می‌گردد. از نظر

روش‌شناسی تعامل به دو جنبه انسان یعنی عواطف و عقل توجه دارد و در شیوه ارتباط سازنده یا تعامل مثبت، هر دو جنبه لحاظ شده است و هر دو جنبه باید تحت تأثیر قرار گیرد تا به نتیجه مورد نظر رسید.

هدف تعامل

تعامل ابزاری برای دسترسی به قابلیت‌های نهفته در اختلافات طبیعی بین بشر است؛ زیرا اختلاف، یکی از پایه‌های نظام هستی و جزو سنت‌های الهی است که تبدیل و دگرگونی در آن راه ندارد. اگر این اختلافات هدایت نشود، موجب هلاکت گردیده و خطرهای بزرگی را برای انسان و جامعه در پی خواهد داشت؛ چنان‌که تاریخ گویای این حقیقت است. اگر اختلافات در مسیر رشد و تجربه، هدایت شود، فواید بسیار بزرگ و چشم‌گیری خواهد داشت. هدف نهایی تعامل‌کننده در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) این است که زمینه‌ها و شرایطی پدید آید تا طرف مقابل یا مجموعه انسان‌ها در مسیر حق هدایت شوند.

مبانی تعامل در سنت اهل بیت (علیهم السلام)

اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان رهبران دینی جامعه، موظف به رهبری و راهبری انسان‌ها به سوی کمال فردی و اجتماعی هستند. ساختار دین برای سعادت دنیا و آخرت و با تأکید بر اهمیت ابدی آخرت است و دین به عنوان ابزاری برای تأمین این برنامه جامع است که اهل بیت (علیهم السلام) پاسداری حریم آن را بر عهده دارند. در راستای حفظ و حراست از دین، گاهی مسائل و موارد باهم تزاخم پیدا می‌کند که در اغلب موارد، برنامه آخرت به سبب جایگاه و اهمیت ابدی آن بر مسائل و مصالح دنیوی مقدم می‌گردد. اهل بیت (علیهم السلام) درباره مخالفان خویش، همواره سعی در تقویت جایگاه جامعه دینی داشته‌اند. این تقویت و جایگاه‌بخشی باید با کمترین هزینه و بیشترین سود تأمین گردد و گونه‌ای از

تعامل هوشمندانه و مؤثر را می‌طلبید؛ اما این‌گونه تعامل بر اساس معیار و مبانی و سنجه‌هایی تعریف شده تا برای دیگران قابل الگوگیری و قضاوت باشد. در ادامه، این مبانی را معرفی خواهیم کرد.

الف) حفظ کرامت انسانی

انسان در عالم هستی از آن‌رو که مخلوق الهی است، حقوقی دارد که آفریدگار جهان به او ودیعه داده است. این حقوق که قابل سلب و نفی نیست، در اصطلاح «حقوق فطری» تعبیر می‌شود؛ مانند حق حیات، آزادی بیان، برابری، مالکیت و آزادی‌های اجتماعی. این حقوق به کرامت ذاتی برای انسان می‌انجامد.

مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز انسان را دارای کرامت ذاتی می‌داند. به دور از تمام اختلافات و تفاوت‌های فکری و رفتاری، کرامت انسانی اولین حق مشترک برای افراد جامعه است که در اندیشه اهل بیت علیهم‌السلام دارای احترام و تأکید است.

«قال رسول الله ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَلَيْسَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالْتَّقْوَى»؛^۱ ای مردم! شما دارای یک پدر و یک خدا هستید. همه شما از آدم آفریده شده‌اید و آدم از خاک است. عرب را بر عجم فخر و امتیازی نیست، بلکه تنها سبب امتیاز، تقواست.

احترام به آزادی فکر و اندیشه و بیان، به رسمیت شناختن حق فکر و سؤال برای همه انسان‌ها با همه دیدگاه‌های اعتقادی و سیاسی و فردی، احترام به حقوق اجتماعی و فردی اهل کتاب و آزادی‌های آنان در انجام مراسم دینی‌شان مورد دفاع و حمایت مکتب اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس همین اصل است.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۴؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۳۰؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۵۷۱.

ب) منافع مشترک

منافع مشترک یا منافع جمع و اجتماع، با ابزارهایی مانند امنیت، نظام، قوانین و... محقق می‌گردد. این منافع باعث تعامل بین افراد و جریان‌ها، برای ایجاد یا پاسداری از منافع جمعی است. اهل بیت (علیهم السلام) نیز با توجه به بینش عقلانی دین، از این منافع حمایت کرده و در جهت ایجاد و پاسداری از آن اقدام و فعالیت می‌نمودند؛ هرچند باید توجه داشت که این عوامل همه در یک رتبه اهمیت قرار نداشته و سطح و نوع تعاملات با تضاد و تزاخم آن‌ها، متفاوت بوده و از اهمیت و رتبه متفاوتی برخوردارند. حکم جزیه و قراردادهای تجاری و کشاورزی که با ایشان در حکومت اسلامی صورت می‌گرفته و مورد تأیید اهل بیت (علیهم السلام) نیز بوده، بیان‌گر احترام و تأکید ایشان بر حفظ و حرمت منافع مشترک در جامعه است؛ حتی برای پیروان دیگر ادیان.^۱

منافع مشترک باعث و علت تعامل مادی و عنصر قبلی یعنی کرامت انسانی

۱. به ابو عبد الله صادق (علیه السلام) گفتم: اگر کسی زمین دولتی را از کشاورزان اهل کتاب اجاره و قبالة کند با این شرط که اگر خانه‌های خراب آن را تعمیر کند یا ساختمان جدیدی احداث کند، اجاره سکناى آن را دریافت کند و تنها آن خانه‌هاى مستثنى باشد که قبلادر اختیار زارعان بوده است. این اجاره و قبالة چه صورت دارد؟ ابو عبد الله (علیه السلام) گفت: اگر سکناى زارعان در قبالة اصلی منظور شده باشد و او بخواهد قبالة فرعى تنظیم کند، حق ندارد به خانه‌هاى تعرض کند که در اختیار زارعان است. اما اگر در قبالة اصلی شرط شده است که از خانه‌هاى زارعان اجاره دریافت شود، مى‌تواند با صاحبان زمین شرط کند.

در توضیح این حدیث آقای محمدباقر بهبودی نوشته‌اند: آن خطه‌هاى که در صدر اسلام به وسیله سپاهیان اسلامى فتح شد، در اختیار حکومت اسلامى قرار گرفت و حکومت اسلامى بر آن زمین‌ها خراج، یعنی مالیات کشاورزی، مقرر کرد و در اختیار کشاورزان نهاد. ابتدا حکومت اسلامى زمین‌هاى دولتی را در اختیار کشاورزانى نهاد که قبل از سرپرست آبادی همان زمین بودند. کشاورزان خطه عراق و ایران مجوسى بودند و کشاورزان خطه شام و روم به دین نصرانیت، و همه آنان با پرداخت جزیه، یعنی مالیات سرانه، تأمین جانی و مالی داشتند و به نام اهل ذمه شهرت یافتند. این کشاورزان، بر اساس همان قبالة اصلی، سال‌ها به کار خود ادامه دادند. (کلینی، گزیده کافی، شرح و ترجمه محمدباقر بهبودی، ج ۴، ص ۴۳۳).

باعث شکل‌گیری تعامل اخلاقی بین افراد و جریان‌هاست؛ اما عنصر بعدی باعث به وجود آمدن تعامل جامع اخلاقی و مادی و دینی بین افراد و جریان‌ها می‌گردد که با توجه به این موضوع، از اهمیت و جایگاه بیشتری نیز برخوردار خواهد بود.

ج) حفظ و حراست از دین

منظور از دین در اینجا معنایی جامع از برنامه الهی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر است. دین مانند اخلاق و وجدان انسانی، از عوامل فراگیر تعامل است که علاوه بر احساس همبستگی در درون یک جامعه و یک نژاد، بین جوامع و نژادهای گوناگون هم احساس همبستگی ایجاد می‌کند. در واقع یکی از اهداف نهایی ادیان این است که تعامل بین افراد را از سطح نازل نژادی، سیاسی، سرزمینی یا منفعتی به سطح آرمانی، یعنی تعامل بر اساس مبانی اخلاقی سوق دهد.

مجموعه تعامل عملی و علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) در راستای حفظ و حراست از مجموعه معارف دینی، به عنوان برنامه جامع سعادت انسانی است. مبنای این برخورد اهل بیت (علیهم‌السلام) با اهل کتاب، در اشتراک مبانی دینی مانند: اعتقاد به خدا و معاد^۱ است که موجب دعوت اهل کتاب به گفت‌وگو و جمع‌شدن در زیر لوای اصل توحید توسط قرآن است که می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۲

بهره نبردن از وسیله باطل برای رسیدن به هدف،^۳ مداهنه و سازشکاری نکردن در

۱. ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (عنکبوت، آیه ۴۶).

۲. آل عمران، آیه ۶۴.

۳. مانند رد کردن بیعت و کمک ابوسفیان در مقابل ابوبکر از طرف امام علی (علیه‌السلام) (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶).

راه هدف،^۱ مبارزه با فساد، همه از اصول رفتاری است که در ذیل این مبنای مهم یعنی «حفظ و حراست از دین» معنا پیدا کرده است. از همین روست که اهل بیت (علیهم السلام) در برابر وجود انحرافات، احساس مسئولیت نموده و در شرایط مناسب برخورد می‌کردند. بدین جهت موقف و موضع اهل بیت (علیهم السلام) در مرحله انحراف، روش نقد و اصلاح بود و در صورت تأثیرپذیر نبودن، برخورد به گونه‌ای دیگر بود، مانند توبیخ، مناظره و حتی نفی آموزه‌های تحریف شده و حتی دستور به منع کمک و همکاری با آنان می‌انجامید.

د) وحدت جامعه

دیگر اصل مهم در تعامل اهل بیت (علیهم السلام) حفظ وحدت جامعه است. ایشان از بسیاری از حقوق فردی و اجتماعی و واجباتی که مربوط به آنان بود، به خاطر رعایت و حفظ وحدت گذشتند؛ زیرا جامعه انسانی جز در پرتو حفظ وحدت، نمی‌تواند به رسالت مهمی که دارد، آن‌هم تأمین سعادت اجتماعی و بستر مناسب برای رشد معنوی و اخلاقی و مادی جامعه، جامه عمل بپوشاند. چشم‌پوشی از بسیاری از خطاهای اهل کتاب و عهدشکنی ایشان در حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) نمونه‌هایی تاریخی در جهت حفظ این مبنای رفتاری اهل بیت (علیهم السلام) است. سفارش امام علی (علیه السلام) به کارگزارانش جهت مدارا و چشم‌پوشی از خطاهای مردم و اهل ذمه، نمونه‌ای دیگر از پایبندی ایشان بر این مبناست.

۱. مدارا یعنی صرف نظر کردن از دنیا و مقام شخصی برای اصلاح دین یا دنیای مردم؛ اما مداهنه صرف نظر کردن از گوشه‌ای از برنامه‌های دین و مکتب برای حفظ موقعیت خود یا رسیدن به مقام است. از همین روست که امامان برای این کار هیچ‌گاه دروغ مصلحتی نگفته‌اند، مانند نپذیرفتن امام علی (علیه السلام) شرط عمل به سنت شیخین را در شورای عمر (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۲). یا فرصت ندادن حتی یک لحظه هم به کارگزاران عثمان و شخص معاویه پس از حکومت (همان، ج ۲، ص ۱۷۹).

ه) عدالت اجتماعی

قبح و ممنوعیت شرعی و عقلی ستم و رفتار غیر عادلانه، امری قطعی و غیر قابل تردید است. این مطلب بر اساس بسیاری از آیات و روایات ثابت می‌شود. تأکید بر رعایت قسط و عدل در تمام زمینه‌ها حتی حکم میان اهل کتاب، در قرآن به چشم می‌خورد.^۱ امام علی علیه‌السلام نیز در نامه به کارگزاران خراج، هرگونه ستم و تجاوز به اهل ذمه که همان پیروان دیگر ادیان موجود در جامعه اسلامی هستند را رد کرده و جایز نمی‌داند.^۲

مجموع این مبانی را می‌توان در حقوق و دستورات فقهی اهل بیت علیهم‌السلام در تعامل با پیروان دیگر ادیان دید. حدیث ذیل نمونه‌ای از بیان این حقوق است که امام سجاد علیه‌السلام در رساله حقوق خود و در راستای این مبانی و اصول بیان کرده است.

وَأَمَّا حَقُّ أَهْلِ ذِمَّةٍ (از یهود، مسیحی، صابئی و مجوس): حکم آنان این است که آنچه را خدا از ایشان پذیرفته، قبول کنی، و به ذمه و عهده‌ی که خدا برای ایشان مقرر داشته، وفا نمایی، و در آنچه از ایشان خواسته شده و خود را بر آن مجبور نموده‌اند، به همان حکم کنی، و در رفتار با ایشان همان‌گونه که خداوند بر تو تکلیف نموده، عمل کنی، و به احترام ذمه خدا و وفای بدان عهد از ستم بدیشان پرهیز کنی، و عهد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حائل از ستمکاری با آنان و لازم الوفاء است؛ زیرا در حدیثی به ما رسیده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «هر کس که به افراد در پناه اسلام ستم کند، من خصم اویم»، بنابراین از خدا پروا کن.^۳

رویکرد تعامل در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام

بررسی سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نشان می‌دهد که ایشان با پیروی از آموزه‌های قرآن^۴ و

۱. ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾ (ممتحنه، آیه ۸).

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۱.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه جعفری، ص ۲۵۱.

۴. از نظر قرآن کریم، همه انسان‌ها از یک جنس و نژادند و در شرافت و کرامت، یکسان و برابرند. این

سنت در کنار دعوت به توحید و حیات اخروی، پایه‌گذار تعامل بین افراد بر اساس مبانی اخلاقی هستند. رساندن تعامل بین افراد به سطح آرمانی یعنی تعامل بر اساس مبانی اخلاقی و وجدان انسانی، اصلی‌ترین هدف الهی اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. تأکید و انتخاب رویکرد اخلاقی توسط اهل بیت (علیهم السلام) در تعامل با دیگران، به معنای عدم التزام به رویکرد حقوقی که سطح التزامی تعامل در جامعه است، نبوده و معصومین (علیهم السلام) نیز بر لزوم این رویکرد و حتی رویکرد احتیاطی توجه و التزام داشته‌اند.

در منابع اسلامی موارد متعددی از تعامل بر اساس مبانی اخلاقی در سفارش‌ها و رفتارهای اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان مشاهده کرد. مواردی چون؛ عهدنامه مالک اشتر از نمونه‌های آن است. در این عهدنامه امام (علیه السلام) مردم را به هم‌کیش و هم‌خلفت تقسیم کرده و کارگزاران خویش را از ظلم در حق مردم نهی می‌کند و می‌خواهد از لغزش‌ها و اشتباهات آنان، چه عمدی و چه سهوی، تا حد امکان بگذرند و با مردم در حد امکان با رحمت، بخشش و مهربانی رفتار کنند.^۱

نمونه‌هایی فراوان در رفتار و گفتار اهل بیت (علیهم السلام) که تبیین‌کننده رویکرد اخلاقی ایشان در تعامل با پیروان دیگر ادیان است، را می‌توان در تاریخ و حدیث مشاهده کرد. نقل شده است که مردی از اهل کتاب در محضر امام صادق (علیه السلام) عطسه کرد. عده‌ای از حاضران گفتند: خدا تو را هدایت کند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بگویید: «یرحمک الله». گفتند: او نصرانی است. امام (علیه السلام) فرمودند: خدا تا به او رحم نکند، او را هدایت نخواهد کرد.^۲

حقیقت در آیات متعددی مطرح شده است. در برخی آیات به صراحت همه انسان‌ها از نفس واحد یا

فرزند پدر و مادر واحدی خوانده شده‌اند. (حجرات، آیه ۱۳، نساء، آیه ۱).

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۲.

امام علی (علیه‌السلام) با مردی ذمی همسفر شد. به جایی رسیدند که راه ذمی از حضرت جدا می‌شد؛ اما امام همراه ذمی حرکت کردند. مرد ذمی تعجب کرد و پرسید: مگر مسیر شما از راه دیگری نیست؟ امام فرمودند: آری، اما این از آداب اسلامی است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به آن امر فرموده است.^۱

در روایت آمده است که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد اهل کتاب فرمودند: گرسنگان آن‌ها را سیر، و از بیماران آنان عیادت کنید.^۲ هزاران از این دست توصیه‌های اخلاقی و رفتاری در منابع روایی و تاریخی یافت می‌شود.

در مجموع وجود احکام مخصوص در مورد تعامل با اهل کتاب در میان فقه اسلامی که اغلب با رویکردی همگرایانه و تعاملی مثبت است، نشان از رویکرد مثبت دین نسبت به ایشان دارد.^۳

رویکرد اهل بیت (علیهم‌السلام) به مسئله ادیان، وحدت‌گراست؛ یعنی حقیقت و گوهر تمام ادیان نزد ایشان یکی است و آن توحید است. در سیره تعامل اهل بیت (علیهم‌السلام) با پیروان دیگر ادیان، علاوه بر قبول حقانیت ادیان توحیدی، بر اصل نجات‌بخشی اخلاقی و هنجاری هویت توحیدی ادیان نیز تأکید شده است که این مسئله، خود رهیافتی مؤثر در حل معضل دیگر ادیان به شمار می‌آید.

با مطالعه تاریخ می‌توان گفت که تعامل اهل بیت (علیهم‌السلام) با پیروان دیگر ادیان در چند سطح با توجه به مراتب آن به ترتیب ذیل است:

۱. دعوت به هدایت، یعنی توجه به آموزه‌های اخلاقی و معنوی ادیان و پایبندی به آن در قول و فعل، با تأکید بر روح واحد توحیدی ادیان آسمانی.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۷ و ۶۳۸.

۲. قاسم بن سلام، الاموال، ص ۱۸۶.

۳. رک: موسی احمدی، حقوق اهل کتاب و چگونگی روابط مسلمانان با آنان در قرآن.

روش قطعی اهل بیت (علیهم السلام) با همه گروه‌ها و پیروان دیگر ادیان، ابتدا بر گفت‌وگو و دعوت بود و به همین دلیل، به فرماندهان خود سفارش مؤکد می‌کردند که ابتدا مردم را به سوی خدا بخوانند و اگر تسلیم نشدند، جزیه و پذیرش قدرت، حاکم اسلامی به آنان پیشنهاد شود و در غیراین صورت با آنان نبرد کنند. دو نمونه از این روش را در نبردهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خیبر و وادی القری می‌توان دید.^۱

۲. مصالحه و دوستی در پرتو همزیستی مسالمت‌آمیز که در قالب پیمان‌نامه‌هایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یهود مدینه،^۲ مسیحیان^۳ و حتی مجوس جعرانه^۴ نگاشته است، قابل پی‌جویی است.

۳. مدارا و تسامح در برابر خطاها و اشتباهات تا حد امکان.^۵

۴. تعامل قهرآمیز مانند تبعید و جنگ و... این نوع از تعامل در برابر پیمان شکنی و اقدام مسلحانه ایشان علیه حکومت اسلامی یا مسلمانان اتخاذ شده که اولین برخورد

۱. در مورد نبرد وادی القری رک: واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۷۱۰؛ در مورد نبرد خیبر رک: ابن سعد زهری، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۸۴.

۲. دو مورد از پیمان‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یهود معروف بوده و به‌طور کامل ثبت شده است: یکی مربوط به همه گروه‌های مدینه است که به پیمان عمومی و مواده یهود معروف است (سیره/ابن هشام، ج ۱، ص ۲۹۱) و دیگری مخصوص سه قبیله بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع است. (طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۵۷).

۳. مانند برخورد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از جریان مباحله با مسیحیان نجران. رک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۳. یا تعامل امام علی (علیه السلام) با مسیحیان نجران و پیمان جزیه به آنان. رک: (سیره/ابن هشام، ج ۲، ص ۶۰۰؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۷).

۴. رک: به نامه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منذر بن ساوی دز: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۲؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹.

۵. تسامح و مدارای پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره اقدامات و تبلیغات سوء یهود علیه اسلام مانند رفتار ایشان در جریان تغییر قبله (زهری، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۶) یا این‌که می‌گفتند صبح به او ایمان آورید و آخر روز به او کافر شوید و این کار را در جهت تکذیب پیامبر انجام می‌دادند (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۷۷۴) و دیگر اقدامات ایزایی و مخرب آنان علیه اسلام.

را در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در پی نقض یهود یثرب و تبعید بنی قینقاع می‌توان در تاریخ دید.^۱

گونه‌های تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان

عوامل متعددی در انتخاب روش و گونه تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان مؤثر بوده است. در ادامه به معرفی و تبیین نقش این عوامل می‌پردازیم:

۱. تزامن منافع فردی و منافع گروهی: اختلافاتی که در جوامع بشری ایجاد و باعث پراکندگی و تعدد جوامع و فرهنگ‌ها و ادیان و حتی برخی تحریفات در ادیان می‌شود، غالباً ناشی از ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع جمعی مشترک است که در ادامه، به شکل‌گیری هویت‌های جدید منجر می‌شود. ترجیح منافع و متعاقب آن، شکل‌گیری هویت‌های نژادی، سیاسی، عقیدتی، منطقه‌ای و طبقه‌ای باعث می‌شود که هویت‌های مشترک مورد غفلت و بی‌مهری، و تعامل بر اساس هویت‌های جدید در اولویت قرار گیرد. این مطلب را می‌توان به صورت یک سنت و قانون طبیعی اجتماعی بیان کرد که بروز نیازها یا احساس نیازهای فردی و اختصاصی‌تر، همچنین هویت جدیدتر و اختصاصی‌تر سبب بی‌اعتنایی به هویت‌ها و نیازهای عام و عمومی می‌شود. این اهمال و غفلت باعث می‌شود، هم توجه به حفظ آن نیازها و هویت‌ها و هم حساسیت در مقابل بی‌حرمتی به آن هویت و تلاش برای رفع نیازهای عام تضعیف شود. فرقه‌گرایی بین ادیان بر همین اساس توجیه شدنی است. هویتی که خداوند برای انسان تعیین کرده، اسلام به معنای جامع کلمه است؛ یعنی تسلیم در برابر اوامر خداوند. در آغاز عرضه هر یک از ادیان آسمانی، جامعه دینی هویت واحد و مشترکی

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۷۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۷۵. غزوات بنی نضیر (سیره/ابن هشام، ج ۱، ص ۵۶۳) و غزوه بنی قریظه (واقعی، المغازی، ج ۲، ص ۵۳۰) و جنگ خیبر (المغازی، ج ۱، ص ۵۶۶) از دیگر نمونه‌های تعامل قهرآمیز اهل بیت علیهم‌السلام با جریان معاند و پیمان‌شکن اهل کتاب است.

داشتند و همه متدینین فقط با یک عنوان واحد شناخته می شدند. اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر این هویت اصرار داشته و بر اساس آن، الگوی تعامل خویش را انتخاب کرده اند.

۲. گفتمان فکری و سیاسی غالب: در هر دوره و عصری موضوعات خاصی، محور فعالیت سیاسی یا فکری قرار می گیرد و نیز جهت گیری های خاصی ممکن است، شکل بگیرد. این موضوعات و جهت گیری های سیاسی و فکری محتوا و سمت و سوی فعالیت سیاسی و فکری را تعیین می کند. مقصود ما از گفتمان، همین موضوعات و جهت گیری های خاص حاکم یا غالب بر هر دوره است که فضای ذهنی جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد و در تعامل و روابط و مناسبات نقشی مهم دارد. گفتمان سیاسی و فکری که در جهت وحدت و همگرایی قرار دارد، طبعاً باعث گسترش روابط و مناسبات و همکاری می شود؛ اما گفتمانی که بر ایجاد و گسترش تنش استوار باشد، طبعاً مانع روابط و همکاری است. گفتمان فکری و سیاسی غالب در حکومت ها، باعث برگزیدن گونه های متفاوتی از تعامل مثبت یا منفی توسط اندیشمندان و ائمه (علیهم السلام) می گردید. گفتمان سیاسی و فکری حاکم، گاه عوامل دیگر را هم تحت الشعاع قرار می داد، که نمونه این اثرگذاری را در اوج فرقه گرایی و تکفیر بین پیروان مذاهب و ادیان مختلف شاهدیم.

۳. سیاست گذاری و فعالیت دولت ها و جریان های سیاسی: خلفای قبل از امام علی (علیه السلام)، بنی امیه، خوارج و آل زبیر و بنی عباس دولت ها و جریان های سیاسی مسلطی بودند که در عصر حضور ائمه (علیهم السلام) منافعشان بر سیاست گذاری و شیوه تعاملشان با پیروان دیگر ادیان تأثیر مستقیم داشت. در واقع تفاهم و یا تقابل و نزاع بین پیروان ادیان مختلف، خواسته حکومت ها و جریان های سیاسی حاکم بود، نه خواسته عامه و علماء ادیان.

در مجموع و با توجه به عوامل معرفی شده، تعامل اهل بیت (علیهم السلام) با پیروان دیگر ادیان سه سطح را شامل می شود:

۱. تعامل مثبت با هدف هدایت و حتی حفظ هویت ادیان مختلف در جامعه؛
۲. تقابل و منازعه سیاسی که پس از گسترش خیانت برخی اقوام یهود بر علیه حکومت و جامعه اسلامی انجام پذیرفت، به خصوص در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به جنگ و یا تبعید و اخراج یهود از سرزمین‌های اسلامی انجامید؛
۳. تعامل منفی که با تبلیغات و شبهه‌افکنی پیروان دیگر ادیان به فرهنگ و اعتقادات اسلامی و شیعی آغاز شد و با سیاست مسامحه در دین توسط حکومت‌های فاسد نادیده و حتی تقویت می‌شد. لذا اهل بیت علیهم‌السلام دستور به ترک تعامل و سخت‌گیری در ارتباط را به شیعیان برای جلوگیری از نفوذ و تأثیرپذیری از جنگ نرم ایشان صادر کردند.

در مورد گونه‌های تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان می‌توان گفت: ایشان دو گونه تعامل با غیرمسلمانان داشتند: ۱. تعامل مثبت یعنی تعامل و همکاری فرهنگی و دینی؛ ۲. تعامل منفی یا عدم همکاری و نقد و به چالش کشیدن کارهای آنان با روشنگری و بیان انحرافات‌شان، با توجه به شرایط موضوع. اهل بیت علیهم‌السلام در هر دو گونه تعامل سعی داشتند، تا آنجا که امکان دارد، از اصل مدارا و گذشت تخلفی نشده و زندگی مسالمت‌آمیز با ایشان ادامه یابد.

شیوه‌های تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان

در هر دو گونه تعامل مثبت و منفی اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان، با توجه به موارد و شرایط پیرامونی و موضوعی، ایشان از شیوه‌های متفاوتی بهره برده‌اند. این روش‌ها در دو گونه تعامل مثبت و منفی بوده است.

مبارزه نظامی

در مواردی که اهل بیت علیهم‌السلام برای حفظ و حراست از دین، هیچ چاره و راه‌کاری جز

جنگ و اعمال فشار نداشته‌اند، به این شیوه از تعامل تمسک کرده‌اند. به راحتی با مطالعه بزرگ‌ترین موارد این تعامل یعنی جنگ‌های مسلمانان با یهود می‌توان گفت که اهل بیت (علیهم السلام) تنها در صورتی که طرف مقابل هیچ راهی برای ایشان نگذاشته باشد، از این روش بهره برده‌اند.^۱

گفتگو

در قالب‌های متعددی چون: گفت‌وگو،^۲ مناظره،^۳ احتجاج، انتقاد، نصیحت، مکاتبه^۴ و خطابه صورت گرفته است. اهل بیت (علیهم السلام) در مقام احتجاج و مباحثات علمی، آنان را در اظهار عقاید دینی‌شان کاملاً آزاد گذاشته بودند و خود شخصا با نمایندگان اهل کتاب به مباحثه علمی می‌پرداختند.

۱. نمونه این‌گونه تعامل: امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: خدای سبحان فرمود: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»؛ با مردم خوش‌زبانی کنید» (بقره، آیه ۸۳). این آیه درباره اهل ذمه فرود آمده بود که آن را گفته (بعدی) خدا نسخ کرده (که فرماید): «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»؛ با اهل کتابی که به خداوند و روز بازپسین ایمان ندارند و حرام داشته خدا و پیامبرش را حرام نمی‌گیرند و دین حق نمی‌ورزند، کارزار کنید تا به دست خویش و خاکسارانه جزیه بدهند. (توبه، آیه ۳۰) پس هر کدام که در کشور اسلامند، جز جزیه یا کشته شدن از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود و اموالشان غنیمت جنگی و فرزندان‌شان اسیرند، و چون جزیه را بر خود پذیرفتند، اسیر کردنشان بر ما حرام و اموالشان محترم گردد و همسری با زنان‌شان بر ما حلال باشد و هر کدام در سرزمینی هستند که با ما در جنگ است، اسیر کردن و بردن مالشان بر ما حلال و همسری با آنان بر ما حرام است و جز دخول در کشور اسلام و پرداخت جزیه یا کشته شدن، چیزی از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود. (ابن شعبه حرانی، رهاورد خرد، ترجمه تحف العقول، ترجمه پرویز اتابکی، ص ۲۵۹).

۲. موارد گفت‌وگو بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مسیحیان و یهودیان بسیار است؛ مانند گفت‌وگو با مسیحیان نجران.

۳. مناظره‌های مشهور امام رضا (علیه السلام) با بزرگان ادیان دیگر در زمان مأمون از این نمونه است.

۴. مانند نامه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نجاشی حاکم حبشه نامه (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ترجمه روحانی، ج ۳،

ص ۱۰۵۷) به اسقف ضغاطر اسقف اعظم روم در قسطنطنیه، (همان، ص ۱۰۵۸).

ناگفته نماند که این روش تعامل در دو گونه مثبت و منفی بوده است؛ هرچند قالب‌هایی مانند مناظره و احتجاج، بیشتر با رویکرد منفی و خصمانه است، اما همین دو گونه تعامل مثبت قابل اجرا و پیاده‌سازی بوده است.

پیمان (عهدنامه)

این گونه تعامل در شرایطی بود که اهل بیت علیهم‌السلام حاکم بودند و به عنوان حاکم، امکان بستن پیمان با پیروان دیگر ادیان را داشتند. بیشتر نمونه‌های این گونه تعامل را می‌توان در عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام مشاهده کرد. معاهده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با قبایل یهودی و مسیحی مانند: قبیله ثقیف،^۱ بنی عادیا،^۲ بنی عریض،^۳ اسقف ایله و مردم آن،^۴ اهل^۵ حیرباء و اهل نجران^۶ از جمله آن‌هاست.

دستور به قطع دوستی و ارتباط با پیروان دیگر ادیان

این دستور بیشتر به مردم عادی و غیردانشمند برای قطع ارتباط با منحرفین اهل کتاب و کسانی که با توطئه و تبلیغات سعی در خدشه به دین داشتند، صادر گردیده است. برخی از اهل کتاب با کارهای مختلف فرهنگی و تبلیغی علیه اسلام، مانند طرح سؤال‌های پیچیده علمی و مذهبی باعث تضعیف اسلام می‌شدند که اهل بیت علیهم‌السلام در قالب مناظره و گفت‌وگو و بحث علمی به آنان پاسخ می‌دادند. ایجاد شبهه در عقاید مسلمانان، ادعای تحریف دستورات کتب مقدسی چون تورات و انجیل توسط قرآن و

۱. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۵۶ - ۶۵.

۲. محمد حمیدالله الحیدری آبادی، مجموعه الوثائق السياسية فی العهد النبوی و الخلافة الراشدة، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۲۳.

۴. همان، ص ۳۲ - ۳۴.

۵. همان، ص ۳۵.

۶. همان، ص ۸۰.

وجود تناقض‌ها و شبهاتی در خود قرآن، ازجمله این تلاش‌های فرهنگی و علمی علیه اسلام بود. این تلاش‌ها اغلب به خاطر حسادت به پیشرفت اسلام و عدم مدهانه اهل بیت (علیهم السلام) با ایشان صورت می‌گرفت.

چرایی گونه‌های مختلف تعامل اهل بیت (علیهم السلام)

در اندیشه اهل بیت (علیهم السلام) تعامل به هرگونه ارتباط سازنده و مؤثر که در راستای دستیابی آسان‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر در جهت هدایت و سعادت جامعه است، اطلاق می‌گردد. هدف نهایی تعامل‌کننده در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) این است که زمینه‌ها و شرایطی پدید آید تا طرف مقابل یا مجموعه انسان‌ها در مسیر کمال فردی و اجتماعی هدایت شوند. اما اختلاف شرایط فکری و اعتقادی جامعه، میزان مقبولیت و مرجعیت اهل بیت (علیهم السلام)، میزان فهم و شرایط فردی و دیگر شرایط، اهل بیت (علیهم السلام) را به بهره‌گیری از گونه‌ها و روش‌های متفاوتی از تعامل در هر مقطع زمانی مجبور ساخته که در تمام موارد، بیشترین سود و منفعت را برای دین و جامعه به همراه داشته است.

نتیجه‌گیری

«تعامل» در اندیشه اهل بیت (علیهم السلام) به هرگونه ارتباط سازنده و مؤثر که در راستای دستیابی آسان‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر در جهت هدفی روشن و از پیش تعیین شده باشد، اطلاق می‌گردد. هدف ائمه اهل بیت (علیهم السلام) رهبری و راهبری جامعه به سوی سعادت دنیوی و اخروی، با کمترین هزینه است. از همین رو اهل بیت (علیهم السلام) در مواضع مختلف، با توجه به شرایط، از دو گونه تعامل منفی و مثبت بهره برده‌اند. تعامل منفی همان عدم همکاری و نفی مشارکت بین ایشان و پیروان دیگر ادیان است. در تعامل منفی سعی در عدم تقویت و حتی تضعیف جایگاه مخالفین دیده شده است. در این گونه از تعامل، از شیوه‌های مبارزه نظامی و گفت‌وگو بهره برده شده است.

در گونه دیگر تعامل، یعنی تعامل مثبت، تقویت دین و جامعه و به تبع تقویت جایگاه انسانی و دینی افراد جامعه هدف است. در این گونه از تعامل نیز اهل بیت علیهم‌السلام سعی در تقویت و حفظ منافع دین و جامعه دینی دارند. در مجموع آنچه از الگوی تعامل اهل بیت علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان می‌توان برداشت کرد، سعی ایشان در پیشرفت جامعه دینی و انسانی است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۵م.
۳. ابن حنبل، احمد، *المسند*، بیروت، دارصادر.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، *تاریخ*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن سعد زهری، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ترجمه جعفری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۸۱ش.
۷. _____، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، چ دوم، ۱۳۶۳ش.
۸. _____، *رهاورد خرد*، ترجمه تحف العقول، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات فرزانه روز، چ اول، ۱۳۷۶ش.
۹. ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۰. _____، ترجمه *ریحانة رسول الله ﷺ الامام الحسن علیہ السلام*، بیروت، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳ش.
۱۲. ابن هشام، *سیره النبویه*، بیروت، دارالتراث العربی، بی تا.
۱۳. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول ﷺ*، قم، دارالحديث، چ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۴. _____، *مکاتیب الرسول ﷺ*، مصحح مجتبی فرجی، قم، دارالحديث، چ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۵. امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین بن علی، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر.
۱۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، تحقیق محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ش.
۱۸. جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلامی*، ترجمه علی جواهر الکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲ش.
۱۹. حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارصادر، بی تا.
۲۰. حسینی، سید عبدالله، *تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری*، قم،

- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۹۴ ش.
۲۱. الحیدری آبادی، محمد حمیدالله، *مجموعه الوثائق السياسيه في العهد النبوي والخلافه الراشده*، قاهره، مکتبه مدبولی، ۲۰۰۰ م.
۲۲. رجبی، حسین، *شیوه‌های تعامل و همزیستی پیروان مذاهب اسلامی*، قم، آثار نفیس، چ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، بیروت، مکتبه الحیات.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. ———، *نهج البلاغه*، ترجمه دشتی، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.
۲۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، محقق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۸. شیخ مفید، محمد بن نعمان، *تصحیح الاعتقاد*، محقق حسین درگاهی، چ اول، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام‌الوری*، تهران، اسلامی، چ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۳۰. ———، *مجمع‌البیان*، تهران، ناصرخسرو، چ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۳۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ‌الامم والملوک*، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۳۲. طریحی، فخرالدین، *مجمع‌البحرین*، محقق حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفه الرجال*، تحقیق رجائی، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. ———، *علل الشرایع*، قم، داوری، ۱۳۸۵ ش.
۳۵. عسکری، ابوهلال، *الاوائل*، قاهره، دارالبشیر للثقافه و العلوم، ۱۴۰۸ ق.
۳۶. ———، *معجم الفروق الغویه*، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل/احمد، العین، بیروت، نشر اعلمی، چ اول، ۱۴۰۸ ق.

۳۸. قاسم بن سلام، الاموال، مصر، مکتب الکلیات الازهریه، چ اول، ۱۳۸۸ق.
۳۹. قمی، شیخ عباس، الکنی واللقاب، نجف، حیدریه، ۱۳۸۹ق.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۴۱. _____، گزیده کافی، شرح و ترجمه محمد باقر بهبودی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول، ۱۳۶۳ش.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۳. مسعودی، علی بن الحسن، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
۴۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۴۶. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، دارصادر، بی تا.
۴۷. _____، فتوح الشام، بیروت، دارالجمیل، بی تا.
۴۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام).